



اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

مقدمه

در درس قبل بیان شد که خبر غیرثقه‌ای که اماره ظنیه بر آن قائم نشده است، حجت نیست؛ لکن یک توجیه اصولی وجود دارد که خبر غیرثقه را در مضامین غیرالزامی حجت می‌داند که غالباً اصولیون در ذیل بحث از حجیت خبر واحد، از این روش و توجیه اصولی بحث می‌کنند. این روش اصولی را «قاعده تسامح در ادله سنن» نامیده‌اند و در اثبات این قاعده به اخباری که به «اخبار من بلغ» معروف است، استناد کرده‌اند. اما شهید صدر(ره) در مورد مفاد «اخبار من بلغ» چهار احتمال می‌دهند و فقط احتمال اول از احتمالات چهارگانه در مورد مفاد این اخبار را مفید اثبات این قاعده می‌دانند.

در این مسأله که مقصود از قاعده تسامح در ادله سنن چه می‌باشد، دو احتمال وجود دارد:
الف) خبر غیرثقه در مستحبات حجت است.

ب) حکم به مستحب بودن فعلی که خبر غیرثقه، ثوابی را از نبی (ص) بر آن فعل، نقل می‌کند. چنان‌که خواهد آمد، شهید صدر(ره) مراد از این قاعده را همان معنای اول می‌دانند؛ لذا فقط طبق احتمال اول در مورد اخبار من بلغ، این قاعده را ثابت می‌دانند، و الا طبق احتمال دوم نیز قاعده مذکور ثابت می‌باشد. در این درس به بیان این قاعده و چهار احتمال مذکور در مورد مفاد اخبار من بلغ می‌پردازیم.

متن درس

قاعدة التسامح في أدلة السنن:

ذكرنا ان خبر غير الثقة إذا لم تكن هناك أمارات على صدقه، فهو ليس بحجة، و لكن قد يستثنى من ذلك الاخبار الدالة على المستحبات، أو على مطلق الأوامر و النواهي غير الإلزامية، فيقال، بأنها حجة في إثبات الاستحباب أو الكراهة ما لم يعلم ببطلان مفادها. و يستند في ذلك إلى روايات فيها الصحيحة و غيرها، دلت على ان من بلغه عن النبي ثواب على عمل فعمله كان له مثل ذلك الثواب، و ان كان النبي لم يقله، بدعوى ان هذه الروايات تجعل الحجية لمطلق البلوغ في موارد المستحبات، و من أجل هذا يعبر عن ذلك بالتسامح في أدلة السنن. و التحقيق ان هذه الروايات فيها بدوا عدة احتمالات:

الأول: ان تكون في مقام جعل الحجية لمطلق البلوغ.

الثاني: ان تكون في مقام إنشاء استحباب واقعي نفسي على طبق البلوغ، فيكون بلوغ استحباب الفعل عنوانا ثانويا له يستدعي ثبوت استحباب واقعي بهذا العنوان.

الثالث: ان تكون إرشادا إلى حكم العقل بحسن الاحتياط و استحقاق المحتاط للثواب.

الرابع: ان تكون وعدا مولويا لمصلحة في نفس الوعد، و لو كانت هذه المصلحة هي الترغيب في الاحتياط باعتبار حسنه عقلا.

قاعده تسامح در ادله سنن

تبیین موضوع بحث

بدون شک، وثاقت راوی در حجیت خبر واحدی که مضمون آن در مورد احکام الزامی (وجوب و حرمت) است، شرط می‌باشد، اما در مضامین غیر الزامی، برخی از اصولیون قائل به حجیت خبر غیر ثقہ شده‌اند، اگر چه قرینه‌ای هم بر صدق آن وجود نداشته باشد. برای مثال اگر فردی غیر ثقہ روایتی را نقل کند که دلالت بر استحباب دعا در هنگام رؤیت هلال نماید و اماره‌ای نیز بر صدق راوی وجود نداشته باشد^۱، می‌توان طبق این خبر غیر ثقہ، به استحباب دعا در هنگام رؤیت هلال، حکم نمود. و این بدین معنا است که مثل این اخبار، از عدم حجیت خبر غیر ثقہ استثنا شده است که به قاعده «تسامح در ادله سنن» معروف است.

در مورد روایاتی که طبق این قاعده از عدم حجیت خبر غیر ثقہ استثنا شده است، دو نظریه وجود دارد:

الف) فقط روایاتی که دلالت بر استحباب دارند، از عدم حجیت خبر غیر ثقہ استثنا شده‌اند.

ب) مطلق روایاتی که دلالت بر حکم غیر الزامی دارند، از عدم حجیت خبر غیر ثقہ استثنا شده‌اند، خواه این حکم غیر الزامی، استحباب باشد یا کراهت.

شرط قاعده تسامح در ادله سنن

قائلین به قاعده تسامح در ادله سنن برای عمل به این قاعده، شرطی قرار داده‌اند که آن شرط این است: شخصی که خبر به او رسیده است، علم به باطل بودن خبر و کذب راوی نداشته باشد؛ زیرا خبر از باب حکم ظاهری و در ظرف شک در حکم واقعی، از جانب شارع برای رسیدن به حکم واقعی حجت قرار داده می‌شود؛ لذا خبر زمانی می‌تواند از جانب شارع حجت قرار داده شود که علم به کذب آن نداشته باشیم.

مدرک قاعده تسامح در ادله سنن

قائلین به این قاعده به روایاتی استناد نموده‌اند که به روایات «مَنْ بَلَغَ» مشهور می‌باشد؛ مضمون این روایات عبارتست از این که: «اگر ثوابی از پیامبر اکرم (ص) یا یکی از معصومین (ع) درباره یک عمل، به کسی برسد و او آن عمل را انجام دهد، برای او مثل همان ثوابی که ذکر شده است، خواهد بود، هر چند که در واقع، پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) آن را نفرموده باشند»؛ مثلاً در روایت صحیحی از هشام بن سالم از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرموده: «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» یعنی هر کس ثوابی را بر عملی بشنود (از پیامبر (ص) یا یکی از معصومین) پس آن عمل را انجام دهد، برای او اجری که بر آن عمل ذکر شده است، خواهد بود، اگر چه این خبر در واقع دروغ بوده و چنان ثوابی نداشته باشد. بارزترین مصداق روایات «مَنْ بَلَغَ» روایاتی است که فضیلت قرائت سوره‌های قرآن را بیان می‌کند؛ زیرا اکثر این روایات از جهت سند، ضعیف هستند.

^۱. در درس قبل بیان شد که اگر أخذ وثاقت را در موضوع حجیت خبر واحد طریقی محض بدانیم، در صورت وجود اماره‌ای بر صدق خبر غیر ثقہ، خبر غیر ثقہ حجت می‌باشد.

کیفیت دلالت اخبار «مَن بلغ» بر قاعده «تسامح در ادله سنن»

این روایات می‌گویند: هر کس ثوابی از یکی از معصومین (ع) در مورد عملی به او رسید و او آن عمل را انجام داد، ثواب آن عمل برای او خواهد بود. بیان این روایات در مورد کیفیت وصول روایتی که ثوابی را بر عملی ذکر می‌کند، مطلق است و خبر ضعیف را نیز شامل می‌شود؛ لذا عده‌ای از علما در سند روایاتی که احکام غیرالزامی را بیان می‌کنند، تسامح و تساهل نموده و طبق آن‌ها فتوا داده‌اند. پس مراد از این قاعده، تساهل و تسامح در سند روایتی است که در باب احکام غیرالزامی صادر شده است؛ بدین معنا که شارع احتمال خلاف را در این روایات ملغی نموده و آن‌ها را حجت قرار داده است.

تطبیق

قاعدة التسامح فی أدلة السنن^۱:

قاعده تسامح در ادله سنت‌ها (یعنی احکام غیرالزامی)

ذكرنا ان خبر غير الثقة إذا لم تكن هناك^۲ أمارات على صدقه، فهو ليس بحجة.

گفتیم که خبر غیر ثقة در صورتی که اماراتی (یعنی قراین ظنی عقلایی) بر صدق آن موجود نباشد، حجت نخواهد بود.

و لكن قد يستثنى من ذلك^۳ الاخبار^۴ الدالة على المستحبات، أو على مطلق الأوامر و النواهي غير الإلزامية، فيقال، بأنها^۵ حجة في إثبات الاستحباب أو الكراهة ما لم يعلم ببطلان مفادها.

ولی گاه اخباری که دلالت می‌کنند بر مستحبات یا بر مطلق اوامر و نواهی غیرالزامی (که شامل مستحبات و مکروهات است) از این حکم، استثنا می‌شوند؛ از این رو گفته می‌شود که این اخبار در اثبات استحباب یا کراهت حجت هستند تا زمانی که علم به بطلان مفاد آنها نداشته باشیم.

و يستند في ذلك^۶ إلى روايات فيها الصحيحة و غيرها^۷.

در این سخن (که از قاعده عدم حجیت خبر غیر ثقة، باید اخبار دال بر مستحبات و مکروهات را استثنا کرد) به روایاتی استناد می‌شود که در میان آنها صحیح و غیر صحیح وجود دارد.

دلت^۸ على ان من بلغه عن النبي ثواب على عمل فعله كان له مثل ذلك الثواب، و ان كان النبي لم يقله.

^۱. سنن، جمع سنت به معنای «عمل مستحب» است. تسامح در ادله سنن به معنای آن است که در سند روایاتی که سنن را اثبات می‌کند، سخت‌گیری نمی‌شود.

^۲. مشار الیه: خبر غیر الثقة. خبر «تکن».

^۳. مشار الیه: عدم حجیت خبر غیر الثقة.

^۴. نائب فاعل «يستثنى».

^۵. مرجع ضمیر: الاخبار الدالة على المستحبات، أو على مطلق الأوامر و النواهي غير الإلزامية.

^۶. مشار الیه: استثنای اخبار دال بر استحباب و کراهت از عدم حجیت خبر غیر الثقة.

^۷. مرجع ضمیر: الصحيحة.

^۸. مرجع ضمیر: روایات.

و این روایات بر این دلالت دارند که اگر از جانب پیامبر (ص) خبر وجود ثوابی برای انجام کاری به کسی رسید و او آن کار را انجام داد، برای او مثل آن ثواب (محفوظ) است، گرچه پیامبر (ص) ذکر آن ثواب به میان نیاورده باشد؛ (یعنی خبر کاذب باشد).

بدعوی^۱ ان هذه الروایات تجعل الحجية لمطلق البلوغ فی^۲ موارد المستحبات،

(این استناد استثنای اخبار غیر الزامی از عدم حجیت خبر ثقه به وسیله این اخبار) به ادعای آن است که این روایات (که اخبار من بلغ نام گرفته است) حجیت را برای مطلق بلوغ (یعنی مطلق رسیدن خبر به انسان، چه از طریق معتبر برسد یا از طریق غیر معتبر و به توسط خبر غیر ثقه، چه مطابق واقع باشد یا نه) در موارد مستحبات قرار می دهد.

و من أجل هذا^۳ يعبر عن ذلك^۴ بالتسامح^۵ فی أدلة السنن.

و بدین خاطر (که اخبار سنن به طور مطلق توسط اخبار من بلغ حجیت پیدا می کند)، از این امر، به تسامح در ادله سنن تعبیر می شود.

Sco۱:۰۷:۵۶

بررسی دلالت اخبار «مَنْ بَلَغَ»

در بخش قبلی، گفته شد که برخی خواسته اند با تمسک به اخبار «مَنْ بَلَغَ»، قاعده تسامح در ادله سنن را ثابت نمایند و به سبب آن، عدم حجیت خبر غیر ثقه را تخصیص زنند. شهید صدر در مقام بررسی این ادعا برآمده و می فرماید: در مدلول و مراد اخبار «مَنْ بَلَغَ» چهار احتمال وجود دارد که فقط طبق یک احتمال قاعده تسامح در ادله سنن ثابت می شود.

احتمالات چهارگانه در مورد مدلول اخبار «مَنْ بَلَغَ»

احتمال اول: جعل حجیت

احتمال دارد که مدلول اخبار من بلغ، جعل حجیت برای مطلق خبری باشد که از رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر مستحبات و مکروهات رسیده است، اگر چه سند آن ضعیف باشد؛ از آن جا که جعل حجیت، یک حکم ظاهری است که در ظرف شک جعل می شود، لازم است که علم به کذب خبر وجود نداشته باشد.

احتمال دوم: بیان حکم واقعی ثانوی

احتمال دارد که مدلول اخبار «مَنْ بَلَغَ» بیانگر استحباب واقعی فعلی باشد که ثواب بر آن رسیده است؛ یعنی اخبار «مَنْ بَلَغَ» یک عنوان ثانوی برای افعالی می سازد که بر عمل به آن ها ثوابی از رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت

^۱. متعلق: یستند.

^۲. متعلق: بلوغ.

^۳. مشار الیه: حجیت پیدا کردن مطلق اخبار سنن، توسط اخبار من بلغ.

^۴. مشار الیه: حجیت پیدا کردن مطلق اخبار سنن.

^۵. تسامح در ادله سنن به معنای آن است که در سند روایاتی که سنن را اثبات می کند، سختگیری نمی شود.

(ع) رسیده باشد. و طبق این عنوان ثانوی، فعل مستحب خواهد بود و این عنوان ثانوی عبارتست از: «الفعل الذی بلغ عن النبی علیه ثواب». مثلاً اگر روایت ضعیفی از نبی اکرم (ص) در مورد وجود ثوابی بر خوردن انار در صبح جمعه دلالت کند، خوردن انار به خودی خود در روز جمعه مستحب نیست، بلکه خوردن انار به عنوان فعلی که از پیامبر (ص) ثوابی برای آن رسیده، مستحب خواهد بود.

توضیح حکم ثانوی در ضمن مثال

حکم ثانوی حکمی است که با توجه به عارض شدن عنوانی خاص برای فعلی، ثابت می‌گردد. مثلاً قرآن خواندن به خودی خود و فی نفسه واجب نیست؛ اما اگر متعلق نذر واقع شود، بما هو منذور واجب خواهد بود؛ یعنی چون عنوان نذر بر آن انطباق یافته است، واجب می‌باشد. هم‌چنین گوشت مردار فی نفسه حرام می‌باشد، اما اگر عنوان اضطرار بر آن عارض شود، حلال خواهد بود؛ این حکم وجوب برای قرآن خواندن به خاطر انطباق عنوان نذر بر آن و حکم حلیت برای گوشت مردار با توجه به عارض شدن عنوان اضطرار بر آن، «حکم واقعی ثانوی» نامیده می‌شود؛ چون این احکام به عنوان اولی برای آن‌ها ثابت نیست، بلکه به عنوان ثانوی هم‌چون نذر و اضطرار، ثابت می‌گردند.

تطبیق

و التحقیق ان هذه الروایات فیها بدوا عدة^۱ احتمالات:

تحقیق آن است که در این روایات (یعنی اخبار من بلغ) در نظر اول چند احتمال وجود دارد:

الأول: ان تكون^۲ فی مقام جعل الحجية لمطلق^۳ البلوغ.

اول آن‌که این روایات در مقام جعل حجیت برای مطلق بلوغ باشد^۴.

الثانی: ان تكون^۵ فی مقام إنشاء استحباب واقعی نفسی علی طبق البلوغ، فیکون بلوغ استحباب الفعل عنواناً ثانویاً له یستدعی^۷ ثبوت استحباب واقعی بهذا العنوان.

احتمال دوم (در مورد مفاد اخبار من بلغ) این است که این روایات در مقام انشای استحباب واقعی نفسی بر طبق عنوان بلوغ باشد (نه در مقام انشای استحباب ظاهری طریقی، بدین معنا که این استحباب ظاهری نیست تا راهی باشد برای تنجیز همان استحباب واقعی محتمل - که خبر ضعیف دلالت بر آن دارد - بلکه استحباب واقعی جدیدی

^۱. مبتدای مؤخر برای فیها.

^۲. مرجع ضمیر: روایات من بلغ.

^۳. متعلق: جعل.

^۴. یعنی: اوامر و نواهی غیرالزامی از هر طریقی به انسان برسد، حجت است.

^۵. مرجع ضمیر: روایات من بلغ.

^۶. خبر «یکون».

^۷. مرجع ضمیر: بلوغ استحباب.

است که بستگی به عنوان بلوغ دارد؛^۱ بنابراین بلوغ استحباب فعل، عنوان ثانوی برای فعل است که اقتضا می‌کند استحبابی واقعی به این عنوان ثابت گردد.^۲

Sco۲: ۱۷: ۴۲

دو احتمال دیگر در مورد مفاد اخبار «من بلغ»

در بخش قبلی درس، بیان شد که در مورد مدلول اخبار من بلغ چهار احتمال وجود دارد، دو احتمال آن گذشت و اکنون به بیان دو احتمال دیگر می‌پردازیم:

احتمال سوم: ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط

سومین احتمالی که در مورد مفاد و مدلول اخبار «من بلغ» وجود دارد این است که این اخبار در مقام ارشاد به حکم عقل باشند؛ زیرا عقل، احتیاط را در مواردی که خبر ضعیفی از رسول اکرم (ص) رسیده است، حسن می‌داند و مکلفی را که به قصد احتیاط به خبر ضعیف عمل کند، مستحق ثواب می‌داند. بنابراین، در مواردی که حکم مستقل عقل وجود دارد اگر شارع حکمی بیان نماید، ارشاد به همان حکم عقل می‌باشد؛ یعنی شارع با این حکم خود، می‌خواهد مؤمنین را متوجه حکم عقل نماید. طبق این احتمال نیز قاعده تسامح در ادله سنن دلالی بر حجیت مطلق خبر ضعیف در باب مستحبات و مکروهات نخواهد داشت، بلکه فقط بیانگر حکم عقل به حسن احتیاط می‌باشد و مکلفی که به خبر ضعیف عمل می‌کند، نه به خاطر نفس عمل بلکه به خاطر حسن احتیاط، مستحق ثواب می‌باشد.

احتمال چهارم: بیان حکم مولوی شارع بر جعل ثواب برای عمل به خبر ضعیف

چهارمین احتمال در مورد مفاد اخبار من بلغ وجود این است که احتمال دارد این اخبار بخواهند مؤمنین را به عمل به حکم عقل به حسن احتیاط تشویق نمایند؛ به عبارت دیگر شارع مقدس می‌خواهد بندگان خود را افرادی محتاط پرورش دهد؛ لذا برای تشویق به احتیاط، ثوابی را برای عمل به خبر ضعیف قرار می‌دهد، نه به عنوان این که خبر

^۱. مرحوم سید خویی (ره) فرموده‌اند: که هیچ فرق عملی بین احتمال اول و دوم وجود ندارد؛ اما به نظر شهید صدر (ره) بین این دو قول ثمره عملی وجود دارد و به سه فرق عملی بین این دو نظریه اشاره می‌فرمایند که ما فقط یک فرق عملی را بیان می‌نماییم.

اگر خبری دلالت بر استحباب یک شیء معین نماید و خبری دیگر نافی استحباب آن فعل باشد، بنابر ظهور مفاد اخبار من بلغ در احتمال اول (جعل حجیت)، این دو خبر تعارض نموده و هر دو ساقط می‌شوند. اما اگر مفاد اخبار من بلغ، احتمال دوم (جعل حکم واقعی ثانوی) باشد، این دو خبر تعارضی با هم نخواهند داشت؛ زیرا خبر نافی استحباب آن فعل را بما هو هو نفی می‌کند و به عنوان اولی می‌گوید که این فعل فی نفسه دارای مصحلت و استحبابی نیست. و خبر مثبت استحباب نیز استحباب را برای این فعل به عنوان ثانوی اثبات می‌کند؛ یعنی بما هو «بلغ عن النبی (ص) علیه ثواب» استحباب را ثابت می‌کند؛ لذا تعارضی بین این دو خبر نخواهد بود و استحباب این فعل ثابت می‌شود.

شهید صدر (ره) دو فرق و ثمره عملی دیگر نیز برای این دو احتمال بیان کرده‌اند که برای اطلاع بیشتر به رجوع شود به: ایروانی، *الحلقه الثالثة فی اسلوبها الثانی*، ج ۲، ص ۱۳۶.

^۲. مثلاً اگر برای روزه گرفتن در روز نیمه رجب، وعده ثواب انجام یک حج به انسان برسد و روزه بگیرد، چه این وعده ثواب واقعاً از جانب معصوم باشد یا نه، در هر صورت چون خبرش به انسان رسیده است، خداوند این عمل (روزه نیمه رجب) را مستحب و دارای چنان ثوابی قرار می‌دهد. توضیح آنکه روزه نیمه رجب به عنوان اولی، یعنی به ملاحظه ذات عمل، ممکن است مستحب و دارای چنان ثوابی باشد و ممکن است نباشد، ولی به عنوان ثانوی، یعنی به ملاحظه آنکه خبری دال بر ثواب انجام آن به ما رسیده است، مستحب بوده و دارای چنان ثوابی می‌شود.

ضعیف دارای مصلحتی باشد یا بلوغ و وصول آن از رسول گرامی اسلام (ص) موجب مصلحت یافتن آن شود، بلکه به خاطر این است که در نفس احتیاط مصلحتی وجود دارد که شارع برای رسیدن به این مصلحت - که عقل نیز می‌فهمد- ثوابی را برای عمل به خبر ضعیف قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، بنا بر این احتمال، حکم مولوی جعل نمی‌شود؛ نه حکم مولوی ظاهری که عبارت است از جعل حجیت برای خبر ضعیف (چنان که احتمال اول بیانگر این معنا بود) و نه حکم مولوی ثانوی که عبارت است از وجود ثواب به خاطر عنوان بلوغ و وصول عن النبی، که یک عنوان ثانوی است (چنان که احتمال دوم بیانگر این معنا است)؛ بلکه می‌خواهد فقط ثوابی را از جانب مولا بر عمل به خبر ضعیف قرار دهد که موجب تشویق مؤمنین به عمل به حکم عقل به حسن احتیاط گردد.

وجه تمایز احتمالات چهارگانه

وجه تمایز بین احتمالات چهارگانه‌ای که در مورد مفاد اخبار من بلغ بیان گردید، این است که در احتمال اول (جعل حجیت برای خبر ضعیف) و در احتمال دوم (جعل حکم ثانوی) و نیز در احتمال چهارم (تشویق بندگان به عمل به احتیاط که حکم عقل است) یک نوع مولویت وجود دارد، به خلاف احتمال سوم (ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط) که هیچ نوع مولویتی در آن وجود ندارد.

اما وجه تمایز احتمال چهارم از احتمال اول و دوم، در این است که در احتمال چهارم، جعل حکمی وجود ندارد و حکمی جعل نمی‌شود، به خلاف احتمال اول و دوم.

اما فرق بین احتمال اول و دوم در این است که در احتمال اول، حکم ظاهری جعل می‌گردد که عبارت است از جعل حجیت برای خبر ضعیف، اما بنابر احتمال دوم، حکم واقعی ثانوی برای خبر ضعیف جعل می‌شود؛ یعنی خبر ضعیف به جهت آن که از رسول گرامی (ص) رسیده است و عنوان «خبر بلغ عن النبی (ص) ثواب علیه» بر آن صدق می‌کند، مستحب می‌باشد.

FG

- | | | |
|--|---|--|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. جعل حجیت برای خبر ضعیف. ۲. جعل حکم واقعی ثانوی برای خبر ضعیف؛ یعنی چون بر خبر ضعیف، عنوان «بلغ عن النبی ثواب علیه» صدق می‌کند، مستحب می‌باشد. ۳. ارشاد به حکم عقل؛ چون عقل مستقلاً احتیاط را حسن می‌داند. ۴. جعل ثواب و پاداش مولوی برای عمل به خبر ضعیف؛ برای این که مؤمنین به عمل به احتیاط که به حکم عقل حسن است، تشویق شوند. | } | <p>احتمالات چهارگانه در مورد مفاد اخبار «من بلغ»</p> |
|--|---|--|

نکته: از احتمالات فوق فقط احتمال اول برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن مفید می‌باشد؛ یعنی اگر ما مراد از قاعده تسامح در ادله سنن را جعل حجیت برای خبر ضعیف بدانیم و بدین سبب خبر ضعیف را از تحت قاعده عدم حجیت خبر غیرثقه خارج نماییم، فقط در صورتی اخبار من بلغ می‌تواند این قاعده را اثبات نماید که احتمال اول را در مورد مفاد این اخبار استظهار نماییم.

تطبيق

الثالث^۱: ان تكون^۲ إرشادا إلى حكم العقل بحسن الاحتياط و^۳ استحقاق المحتاط للثواب.

سومین احتمالی که در مورد مفاد اخبار من بلغ وجود دارد آن است که این روایات، ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط و استحقاق ثواب برای محتاط باشد.

الرابع: ان تكون وعدا مولويا لمصلحة في نفس الوعد، و لو كانت هذه المصلحة هي^۴ الترغيب^۵ في الاحتياط باعتبار^۶ حسنه عقلا.

احتمال چهارم (در مورد مفاد اخبار من بلغ) این است که بیانگر وعده مولوی ثواب، برای عمل به خبر ضعیف می باشد؛ یعنی دلالت می کند بر ثواب احتیاط برای عامل بدین معنا که عامل همان ثوابی را که به او رسیده است، می برد؛ به جهت مصلحتی که در خود وعده دادن است، گرچه این مصلحت همان تشویق به احتیاط باشد، به اعتبار آن که احتیاط عقلاً خوب است.

Scor: ۲۹ : ۱۲

^۱. یعنی: احتمال سوم در مورد مفاد اخبار من بلغ.

^۲. مرجع ضمیر: روایات من بلغ.

^۳. معطوف علیه: حسن الاحتياط.

^۴. ضمیر فصل.

^۵. خبر کانت.

^۶. متعلق: کانت.

چکیده

۱. روایات متعددی وجود دارد که دلالت دارند که اگر خبری از پیامبر (ص) بر ترتب ثوابی بر عملی به انسان برسد و به این خبر عمل نماید، خداوند ثواب مذکور در آن خبر را، به انسان خواهد داد اگر چه در واقع رسول گرامی اسلام (ص) چنین نفرموده باشد و این عمل چنین ثوابی نداشته باشد؛ این اخبار به «اخبار من بلغ» معروف هستند.
۲. ادعا شده است که «اخبار من بلغ» بر حجیت خبر ضعیفی که در مورد مستحبات و مکروهات وارد شده است، دلالت دارد و آن را قاعده «تسامح در ادله سنن» نامیده‌اند.
۳. در مفاد اخبار من بلغ چهار احتمال وجود دارد:
 احتمال اول: جعل حجیت برای خبر ضعیفی که در مورد مستحبات و مکروهات وارد شده است.
 احتمال دوم: جعل حکم واقعی ثانوی؛ بدین معنا که عمل به خبر ضعیف، مستحب است؛ البته به خاطر این که عنوان «بلغ عن النبی ثواب علیه» بر آن صدق می‌کند، یعنی به عنوان ثانوی مستحب است.
 احتمال سوم: ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط.
 احتمال چهارم: جعل ثواب برای عمل به خبر ضعیف، نه به این عنوان که آن فعل دارای مصلحت و ثواب است، بلکه برای تشویق بندگان به عمل به حکم عقل به حسن احتیاط.
۴. فقط در صورتی می‌توان از اخبار من بلغ، قاعده تسامح در ادله سنن را استفاده کرد که از این اخبار، جعل حجیت برای خبر ضعیفی که در مورد مستحبات و مکروهات وارد شده است، استظهار شود.